

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مبلغان سائپرک چارده خورشید



[www.14khorshid.ir](http://www.14khorshid.ir)

وروده سایت مبلغان سائپرک چهارده خورشید

بِسْمِ تَعَالَى

موضوع: دنیا و زهد اسلامی در آثار استاد

مطهری (قدس سره)

نگارنده: حامد اسماعیلی مهر، طلبة پایه ۵، آذرماه ۱۳۹۱

کلید واژه:

پوچی گرایى، مسخ، رفاه زدگى، جامعه گریز، آزادگى، آرامش، پول پرستى،  
درون گرایى.

## مقدمه:

در حال حاضر بعضی از ما ملت ایران بعد از تحمل آن همه سختی و مشکلات انقلاب و جنگ و تحریم، رو به دنیای مادیات می رویم و از معنویات کم کم داریم رو بر می گردانیم، از صبح که از خواب بیدار می شویم تا شب که به خواب می رویم، سر و کارمان با پول و مادیات و مظاهر دنیای مادی است و در خیلی از موارد دچار «دنیای زدگی» و «رفاه زدگی» شده ایم. انگار نه انگار که این دنیا وسیله ای است برای رسیدن به ارزشهای والای انسانی و جهانی بزرگتر و گسترده تر از این جهان. گویا دنیا دارد یکی از اهدافمان می شود و جایگاه هدف حقیقی و وسیله واقعی را فراموش کرده ایم. از اصول و قوانین اسلام این است که درون گرایی و برون گرایی، از هم جدا نیستند و ما باید قبل از هر چیز تفکر و اندیشه اسلام و قرآن را در مورد دنیا و معنویات، برون گرایی و درون گرایی بدانیم، و بفهمیم که انحرافات دو دین بزرگ مسیحیت و یهودیت در این زمینه چه بوده است، و علت این همه فراز و نشیب های مسلمانان در طول تاریخ آیا به این مساله و به تصویر کشیدن اندیشه اسلام در این زمینه ربط داشته است یا نه؟

در این باب وقتی به آثار مکتوب استاد مطهری (رحمه الله علیه) نظری انداختم، اندیشه اسلام را، اندیشه ای بی سابقه و دارای دورنگی های ژرف و عمیقی در این مورد یافتیم که فکر نکنم اندیشه ای بهتر از این بتواند تا قیام قیامت ظهور کند.

همه این مسائل دست به دست هم دادند تا ما گفته ها و نوشته های آن شهید بزرگوار را در کتاب های مختلف جمع آوری کرده و با هم ترکیب کنیم تا بتوانیم ذره ای پرده از روی این حقایق بلند و عمیق برداریم.

در بعضی از موارد عین عبارت شهید را، و گاهی مفهوم آن را آورده ایم. چینش مطالب بر اساس سلیقه و ذوق ما بوده است. امیدواریم که مورد قبول حضرت حق واقع گردد.



## الف: نظریاتی که در مورد دنیا در بین مسلمانان وجود دارد:

۱. نظریه مبنی بر بدبینی نسبت به دنیا و جهان آفرینش و سرزنش و مذمت آن؛

این اندیشه در بین واعظین شیوع بسیاری دارد. «چرخ کج مدار و فلک کج رفتار»

شهید مطهری (رحمه الله علیه) می فرماید علت و منشأ ظهور این دیدگاه در بین مسلمانان یکی اختلاط ملت های اسلامی با فلسفه های مبنی بر بدبینی نسبت به دنیا بوده، و دیگری حوادث تاریخی ناگوار و علل اجتماعی خاص می باشد.

نتیجه این نظریه پوچی گرایی است.

۲. دنیا و جهان آفرینش خوب اماّ علاقه به دنیا ناپسند:

دنیا و آفرینش خوب است چون از آیات الهی و خلقت اوست اماّ علاقه به آن مذموم و باید ریشه این علاقه خشکانیده شود.

این نظریه خلاف منطق قرآن و بر ضرر بشریت است، مانند قطع کردن عضوی از اعضای بدن انسان.

۱) علاقه بشر به دنیا فطری و طبیعی است. مثل علاقه به فرزند و همسر و پدر و مادر و مال و ثروت و ....

۲) این علایق قابل خشکانیدن نیست و (از نظر روانشناسی) به طور معمول به شکل خطر ناک تری ظهور می کنند.

۳) این علایق از نشانه های خداست. خداوند متعال در سوره روم می فرماید: «و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً....»<sup>۱</sup> و از جمله نشانه های خداوند این است که برای شما جفت هایی از جنس خودتان آفریده است.

اشکالات:

۳) هدف قرار دادن دنیا مذموم و ناپسند است. دنیا بد نیست، علاقه به آن هم بد نیست، اماّ هدف و ایده آل و مقصد و کمال قرار دادن آن بد است. این منطق واقعی قرآن و اسلام است.<sup>۲</sup>

۱- روم، ۲۹

۲- مطهری، مرتضی، بیست گفتار، ص ۱۶۷-۱۷۷

## ب: توضیح نظر اسلام:

بیان شد که نظر اسلام این است که دنیا بد نیست، علاقه به آن هم بد نیست، اما هدف قرار دادن آن بد است.

یکی ریشه در جهان بینی اسلام دارد، که انسان محدود به این دنیا نیست بلکه نشئه ای دیگر به اسم آخرت دارد که از این هم بالاتر است (معاد). نشئه ای بس عظیم تر و وسیع تر و فسیح تر.

ریشه این اندیشه در اسلام:

و دیگری باب تربیت و اخلاق است که (البته) اختصاص به دین و مذاهب ندارد.<sup>۱</sup>

منطق اسلام در مورد سرزنش دنیا هرگز متوجه جهان آفرینش نیست. اندیشه «چرخ کج مدار و فلک کج رفتار» یک اندیشه اسلامی نیست، قرآن می فرماید: «الذی احسن کل شیءٍ خَلَقَهُ»<sup>۲</sup> خداوند کسی است که هم چیز را به نیکوترین وجه آفریده.

علاقه به دنیا، اگر به معنی تمایلات طبیعی و فطری و صرف ارتباط عاطفی باشد، نکوهیده نیست. خداوند می فرماید: «و من آیاته آن خلق لکم من انفسکم أزواجاً...» و از نشانه های الهی این است که برایتان زنانی از جنس خودتان آفرید.

و اگر به معنی دنیا پرستی و دنیازدگی و بسته بودن به امور مادی و اسیر دنیا بودن است، مذموم و نکوهیده است.<sup>۳</sup>

در هر میل طبیعی در انسان غایت و هدف و مصلحت و حکمتی نهفته است. «آدمی در این جهان نه به زرق آمده است تا به ملامت برود.»

ج: رابطه دنیا و آخرت:

سه نوع رابطه بین دنیا و آخرت

- ۱- رابطه میان برخورداری از دنیا و برخورداری از آخرت ← در این رابطه تضادی نیست.
- ۲- رابطه میان هدف قرار گرفتن دنیا و هدف قرار گرفتن آخرت ← این رابطه تضاد دارد.
- ۳- رابطه میان هدف قرار گرفتن یکی از این دو و برخورداری از دیگری ← در این جا تضاد یک طرفه هست.

(۱) مطهری . مرتضی . بیست گفتار. ص ۱۶۷-۱۷۷

(۲) سجده ۷.

(۳) مطهری . مرتضی . سیری در سیره نهج البلاغه . ص ۲۵۶-۲۵۲

تضاد یک طرفه یعنی  
در شق سوم دو  
احتمال است

الف: دنیا هدف باشد و برخورداری از آخرت ← این تضاد است.  
ب: آخرت هدف باشد و برخورداری از دنیا ← در این جا تضادی  
نیست.

یعنی هدف قرار گرفتن ناقص(دنیا) مستلزم محرومیت از کامل(آخرت) است، اما هدف قرار گرفتن کامل(آخرت) مستلزم محرومیت از ناقص(دنیا) نیست. این است که می‌گوییم در شق سوم تضاد یک طرفه هست.<sup>۱</sup>

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند: «الناس فی الدنيا عاملان: عامل عمل فی الدنيا لِلدنيا قد شغَلَتْه دنیاهُ عن آخرته ... و عامل عمل فی الدنيا لما بعدها»<sup>۲</sup> مردم در دنیا دو گروهند: گروهی در دنیا برای دنیا عمل می‌کنند که دنیایشان آنها را از آخرت به خود مشغول داشته و گروهی در دنیا برای بعد از دنیا(آخرت) عمل می‌کنند.

صید دین کن تا رسد اندر تبع	حسن و مال و جاه و بخت منتفع
آخرت قطار اشتر دان عمو	در تبع دنیاش همچو پشک و مو
پشم بگزینی شتر نبود تو را	ور بود اشتر چه قسمت پشم را

مولوی

## (د) قرآن و دنیا

آیات قرآن درباره رابطه انسان و دنیا دو دسته اند: (یک دسته مقدمه دسته دیگر)

۱- آیات تکیه کننده بر تغییر و ناپایداری و عدم ثبات این جهان. (ناپایداری مادیات) و در کنار و در ضمن این آیات جهانی دیگر پایدار و دائم.

هدف در این دسته، خارج ساختن مادیات از ضرورت معبودها و کمال مطلوب هاست.  
۲- در دسته دوم «تعلق» یعنی بستگی و اسارت و رضایت دادن و قناعت کردن به این امور (مادیات)، گذرا و ناپایدار است.

این آیات است که جوهر منطق قرآن را در این زمینه روشن می‌کند.

«المال و البنون زينة الحیوه الدنيا و الباقیات الصالحات خیرٌ عند ربکَ ثواباً و خیرٌ اهلًا»<sup>۳</sup>

(۱) مطهری . مرتضی . سیری در سیره نهج البلاغه . ص ۲۹۶-۲۹۵

(۲) نهج البلاغه. ح. ۲۶۹ . به نقل از سیری در سیره نهج البلاغه شهید مطهری.

(۳) کشف . ۴۶

«إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا. الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ.»<sup>۱</sup> همانا کسانی که به ملاقات ما امیدی ندارند و به زندگی دنیوی خشنودند و به آن مطمئن شدند و آنهایی که از نشانه های ما غافلند.  
«و فرحوا بالحیوه الدنیا و ما الحیوه الدنیا فی الآخره الا متاع»<sup>۲</sup> به زندگی دنیوی شادمانند، درحالی که زندگی دنیوی در مقابل آخرت جز متاعی بیش نیست.

این شکل رابطه است که به جای اینکه دنیا را مورد بهره برداری انسان قرار دهد، انسان را فریبانی ساخته و از انسانیت ساقط کرده است.

ناخود را خود پنداشتن و خود را ناخود پنداشتن خود فراموشی و خود باختن است. «نسوا الله فأنسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ»<sup>۳</sup> خسروا انفسهم<sup>۴</sup> و نتیجه آن نه تنها باختن بلکه مسخ به ناخود شدن است.<sup>۵</sup>

«من أَحَبَّ حَجْرًا أَحْشَرَهُ اللهُ مَعَهُ»<sup>۶</sup> هر کس سنگی را دوست داشته باشد، خدا او را با آن محشور می کند.

«عَجِبْتُ لِمَنْ يَنْشُدُ ضَالَّتَهُ وَ قَدْ أَضَلَّ نَفْسَهُ فَلَا يَطْلُبُهَا»<sup>۷</sup> تعجب می کنم از کسی که دنبال گمشده اش می گردد، در حالی که خودش را گم کرده و آن را طلب نمی کند.

گر در طلب کانی، کانی  
ور در پی جست و جوی جانی، جانی

من فاش کنم حقیقت مطلب را  
هر چه در جستن آنی، آنی

اینجا، جای این سؤال هست، که پس زهد اسلامی و فلسفه آن چیست و وجه تمایز آن از رهبانیت کدام است؟

## ه) زهد اسلامی و رهبانیت مسیحی

حرکت روی خط وسط در هر مسأله ای بدور از افراط و تفریط امر خیلی مهمی است، و خیلی دشوار است و کمتر کسی می تواند روی این خط، حرکت کند، در مسأله رابطه دنیا و آخرت و اینکه جمع بین این دو ممکن است یا نه؟ هم این قاعده و قانون جاری است.

دو دین بزرگ یهودیت و مسیحیت در مسأله دنیا و آخرت یکی افراط کرده و دیگری تفریط.

(۱) یونس . ۷

(۲) رعد . ۲۶

(۳) حشر . ۱۹

(۴) زمر . ۱۵

(۵) مطهری . مرتضی . سیری در سیره نهج البلاغه . ص ۲۸۶، ۲۸۰، ۲۷۰

(۶) سفینه البحار. ماده حب. به نقل از سیری در سیره نهج البلاغه شهید مطهری.

(۷) غرر و درر . آمدی. ج ۴. ص ۲۴۰. به نقل از سیری در سیره نهج البلاغه شهید مطهری.



البته ما مسلمانان معتقدیم که این افراط و تفریط‌ها ناشی از تحریف‌ها و دگرگونی‌هایی است که در این دو آیین آسمانی به وجود آمده است.

یهود و یهودیان دنبال این اند که در همین دنیا بهشتی بسازند و در آن زندگی کنند، مسیحیت هم که می‌گوید بین دنیا و آخرت تضاد هست؛ دنبال هر کدام رفتی، به طور حتم دیگری را از دست می‌دهی. لذا رهبانیت در مسیحیت و در بین مسیحیان یعنی دوری از دنیا و حتی ازدواج هم کراهت دارد.

اما دین مبین اسلام به دور از هر گونه افراط و تفریطی در این مسأله حدّ وسط را حفظ کرده و گفته که می‌شود بین دنیا و آخرت جمع کرد و آخرت را هدف قرار داد و از دنیا هم استفاده کرد و اصلاً دنیا مزرعه آخرت است و مقدمه آخرت است، بدون مقدمه نمی‌توان به ذی المقدمه و آخرت رسید.

و زهد اسلامی مانند رهبانیت یک عمل منفی صرف نیست و بین زاهد و راهب فرسنگ‌ها راه است، که شهید مطهری (رحمۃ اللہ علیہ) می‌فرماید: «زاهد آخرت‌گرای جامعه‌گر است و راهب آخرت‌گرای جامعه‌گریز»<sup>۱</sup> و این ناشی از دو جهان بینی است «جهان بینی امکان جمع بین دنیا و آخرت و جهان بینی عدم امکان جمع بین دنیا و آخرت»<sup>۲</sup>

به همین خاطر ناچاریم تا به فلسفه‌های زهد اسلامی اشاره کنیم تا اندیشه اسلام و فرق آن با رهبانیت در مسأله دنیا و آخرت و جامعه مشخص شود.

## (و) فلسفه‌های زهد اسلامی:

۱. ایثار: یکی از فلسفه‌های زهد ایثار است. ایثار و فداکاری از از پرشکوهترین مظاهر جمال و جلال انسانیت است و تنها انسان‌های بزرگ به این قله شامخ صعود می‌کنند.<sup>۳</sup>

این است که انسان به خاطر هم نوع خود و انسان‌هایی که از نظر اقتصادی در سطح پایین‌ترند، حق خود را فدا می‌کند و به آنها می‌بخشد و به قله بلند ایثار و فداکاری نائل می‌شود و این زهد دوری از دنیا یکی از بزرگترین اهداف عالی انسانی و اجتماعی یعنی «ایثار» را به دنبال دارد.

خداوند متعال می‌فرماید: «و يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»<sup>۴</sup> و غذای خود را با علاقه و نیاز به آن و از روی محبت خدا به فقیر و یتیم و اسیر انفاق می‌کنند.

اول همسایه بعد خود

زهد بر مبنای ایثار در شرایط مختلف اجتماعی فرق می‌کند.

۲. همدردی و شرکت عملی در غم مستمندان و محرومان:

در این فلسفه مستمندان و محرومان و نیازمندان زیادند که تو نمی‌توانی دردهای

۱. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، ص ۲۱۷

۲. همان، ص ۲۱۸

۳. همان، ص ۲۱۹

۴. انسان، ۸

اقتصادی همه آنها را درمان کنی و نیازهای آنها را برطرف کنی، «کشته از بس که فزون است، کفن نتوان کرد». لذا وقتی می بینی نمی توانی دردهای آن را از بین ببری و نیازهای آنان را برآورده سازی، (با وجود اینکه خودت پول داری و می توانی در رفاه زندگی کنی) حداقل همرنگ آنها شو تا کمی از دردهای آنها را تسکین دهی.

و این مسئولیت در مقابل محرومان جامعه، وظیفه ای است که خداوند متعال آن را بر عهده پیشوایان و اسوه های جامعه قرار داده است. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَىٰ أئِمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بضعفه الناس كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ»<sup>۱</sup> خداوند متعال بر پیشوایان عدل و داد واجب کرده که خود را با مردمان ضعیف بسنجند تا فقر نیازمند به او فشار و سختی نیاورد.

و این فلسفه راهی است برای تسلین آلام اجتماع، بر خلاف رهبانیت.<sup>۲</sup>

### ۳- آزادی و آزادگی:

استفاده زیاد از نعمت های دنیا و زندگی در رفاه انسان را به این نعمت ها وابسته می کند و از آزادگی انسان می کاهد، و به قول استاد شهید (قدس سره): «بی نیازی ملاک آزادگی». با تقلیل نیازها خویشتن را از قید اسارت اشیاء و اشخاص رها سازند.<sup>۳</sup>

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود زهر آنچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

«دلبستگی نداشتن شرط لازم آزادگی است اما شرط کافی نیست. عادت به حداقل برداشت از نعمت ها و پرهیز از عادت به برداشت زیاد، شرط دیگر آزادی است. کان صلی الله علیه و آله خفیف المؤمنه» پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مؤونه و خرج سبکی داشت.

گانندی با روش زاهدانه خویش امپراتوری انگلستان را از پای در آورد.<sup>۴</sup>

«الطمع رق مؤبده»<sup>۵</sup> حرص و طمع بردگی همیشگی است. «الدنيا دارٌ مفرّ لادارٍ مفرّ و الناس فيها رجلان باع نفسه فأوبقها و رجل اتباع نفسه فأعتقها»<sup>۶</sup> دنیا خانه گذر است نه گذار، و مردم در این دنیا دو گروهند، گروهی نفس خویش را فروختند پس آن را اسیر کردند و گروهی دیگر نفس خویش را خریدند و آن را آزاد کردند.

### ۴- عشق و پرستش:

به خاطر عشق و پرستش، یگانه معشوق واقعی عالم، دست از دنیا و مظاهر آن به حد امکان می کاهند تا فراغ بالی پیدا کنند و به پرستش آن خدای یگانه پردازند.

۱. نهج البلاغه. خ ۲۰۷. به نقل از سیری در سیره نهج البلاغه شهید مطهری.

۲. مطهری. مرتضی. سیری در سیره نهج البلاغه. ص ۲۲۴

۳. همان. ص ۲۲۵

۴. همان. ص ۲۲۹ و ۲۲۷

۵. نهج البلاغه. ح ۱۸۰. به نقل از سیری در سیره نهج البلاغه شهید مطهری.

۶. همان. ح ۱۳۳

«زهد شرط اصلی معرفت افاضی و پیوند محکم و ناگسستنی با آن دارد.»

«علی اول زاهد عالم بود و در عین حال حساسترین قلبها را نسبت به مسئولیت های اجتماعی در سینه داشت.»<sup>۱</sup>

«و كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شَكٌّ أَوْ شَرَكٌ فَهُوَ سَاقِطٌ وَ إِنَّمَا أَرَادُوا الزُّهْدَ لِيَنْفَرَعَ قُلُوبُهُمُ لِلْآخِرَةِ»<sup>۲</sup>

زهد اندر کاشتن کوشیدن است  
جان شرع و جان تقوا عارف است

معرفت آن کشت را رویدن است  
معرفت محصول زهد سالف است

مولوی

« و ما جعل الله لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ»<sup>۳</sup>. در یک دل دو معشوق جمع نمی شوند، نمی شود هم دنیا در قلب تو باشد و هم خدا.

فاش می گویم و از گفته خود دلشادم  
بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم

۵. برداشت کم برای بازدهی زیاد در کمالات انسانی:

«زهد اسلامی عبارت است از برداشت کم برای بازدهی زیاد.» «اکبر پرورش»

زهد برای آدمی تمرین است اما تمرین روح. روح با زهد ورزش می یابد و تعلقات اضافی را می ریزد، سبکبال و سبکبار می گردد و در میدان فضائل، سبک به پرواز در می آید.<sup>۴</sup>

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: انما هی نفسی أروضها بالتقوی»<sup>۵</sup> همانا این نفس من است که به سبب خودنگهداری آن را ورزش می دهم. اسلام در زمینه زهد دو چیز را سخت محکوم کرده است: یکی رهبانیت و دیگری ماده پرستی و پول پرستی و به عبارت جامع تر «دنیا زدگی» را.

آیا ممکن است انسان اسیر و بنده و گرفتار و برده مادیات باشد و به تعبیر امیر المؤمنین (علیه السلام) بنده دنیا و بنده کسی باشد که دنیا در اختیار اوست و آنگاه از شخصیت دم بزند؟

شخصیت واقعی آنجاست که امکان تسلط پول و کالا باشد، و در عین حال بشر بر پول و کالا حکومت کند، نه پول و کالا بر بشر.<sup>۶</sup>

پس در حقیقت تعلیمات دینی برای بیدار کردن شعورهای عالیتری در انسان است و آن

۱. مطهری، مرتضی. سیری در نهج البلاغه. ص ۲۳۲ و ۲۳۳

۲. اصول کافی. ج ۲. ص ۱۶ نقل از کتاب سیری در سیره نهج البلاغه

۳. احزاب . ۴

۴. مطهری . مرتضی . سیری در سیره نهج البلاغه . ص ۲۴۱ و ۲۴۰

۵. نهج البلاغه . نامه ۴۵. به نقل از سیری در سیره نهج البلاغه شهید مطهری.

۶. مطهری . مرتضی . سیری در سیره نهج البلاغه . ص ۲۴۵-۲۴۳

شعور ها در غریزه و فطرت بشر هستند و چون عالیتزند و از مقام عالی انسانی سرچشمه می گیرند دیرتر بیدار می شوند و احتیاج به تحریک و احیاء و بیدار کردن دارند، آن شعور ها مربوط به معنویات است، مقصود بستن این (دنیای مادی) نیست باز کردن آن چشمه های معنویت است.<sup>۱</sup>

«و لاتكونوا كاللذین نسوا اللّٰهَ فاساهم انفسهم.»<sup>۲</sup> خدا فراموشی یعنی خود فراموشی.

گر میان میسک تن را جا شود      وقت مردن گند آن پیدا شود

میسک را بر تن مزین بر جان بمال      میسک چه بود؟ نام پاک ذوالجلال

از اینجا معلوم می شود که چرا یاد خدا، مایه حیات قلب است، مایه روشنایی دل، مایه آرامش روح است.

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: «أَنَّ اللّٰهَ جَعَلَ الذِّكْرَ جَلَاءً لِلْقُلُوبِ»<sup>۳</sup>.

همانا خدا ذکر و یاد را برای جلا دادن قلب ها قرار داده است.

ارزش عبادت در باز یافتن خود است. به همان نسبت که وابستگی و غرق شدن در مادیات انسان را از خود جدا و با خود بیگانه می سازد، عبادت انسان را به خویشترن باز می گرداند.<sup>۴</sup>

## ز) درون گرایی و برون گرایی

خداوند می فرماید: «و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سُبُلَنَا»<sup>۵</sup> کسانی که در راه ما مجاهده و کوشش کنند، هر آینه آنها را به راه هایمان هدایت می کنیم.

دوستان پرسیدند که چرا ما جهاد در این آیه را به معنای مجاهده درونی بگیریم؟

عرض کردم اصلاً در قرآن مجاهده درونی از مجاهده بیرونی حساب جدائی ندارد، نه اینکه یک سری کارهای بیرونی باشد و یک سری کارها کارهای درونی .... و به این ترتیب انسان باید یا برون گرا باشد یا درون گرا!

اساساً ارزش قرآن بر این است که این دو را از یکدیگر جدا نمی کند.

خدا در قرآن فرمود: «و من یخرج من بینة مهاجراً إلی اللّٰهِ ثُمَّ یُدرِکُهُ الموتُ فقد وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَی اللّٰهِ»<sup>۶</sup>

۱. مطهری . مرتضی . بیست گفتار. ص ۱۶۷-۱۷۷

۲. حشر . ۱۹

۳. نهج البلاغه . خ ۲۲۰. به نقل از سیری در سیره نهج البلاغه شهید مطهری

۴. مطهری . مرتضی . سیری در سیره نهج البلاغه. ۲۹۱ - ۲۹۰

۵. عنکبوت . ۶۹

۶. نساء . ۱۰۰

... تعبیر قرآن عجیب است! مبدأ را وقتی نگاه می کنیم می بینیم خانه فرد است که یک مبدأ مادی است... تعبیر اعجاز آمیز قرآن این است که می گوید: هرکس از خانه اش به سوی خدا حرکت کند» (مبدأش مادی است، منتهایش معنوی). می خواهد بگوید: چنین کسی هجرتش در آن واحد دو هجرت است، هم مادی و هم معنوی... مثلاً ابوذر از قبیله غفار از مکه حرکت کرده و منتهایش مدینه است، ولی در همان حال که خانه مادی را رها کرده، نفسانیات و خود خواهیها و پستیها را دور می ریزد، بت پرستیها را با انواعش دور می ریزد... یعنی در آن واحد دو هجرت را با هم انجام داده است.<sup>۱</sup>

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «مَنْ كَانَ هَجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهَجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ مَنْ كَانَ هَجْرَتُهُ إِلَى الْمَالِ يُصِيبُهُ أَوْ امْرَأٍ يُصِيبُهَا فَهَجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ»<sup>۲</sup> هر کس به سوی خدا و رسول هجرت کند، پس هجرتش به سوی خدا و رسول اوست. و هر کس هجرتش به سوی مالی باشد که به آن برسد یا زنی که به او برسد، پس هجرتش به سوی همان چیزی است که به سمتش هجرت کرده است.

درون گرایی و برون گرایی اسلام دوش به دوش یکدیگر و جدائی ناپذیرند. آن درون گرایی که متوجه برون نباشد از نظر اسلام درون گرایی نیست، عرفان نیست، معنویت نیست، هجرت به سوی خدا نیست. همچنین اسلام آن فعالیت عملی را که متوجه درون نباشد نه جهاد می داند، نه عمل صالح و نه مهاجرت، و هیچ کدام از این اسمها را روی یک فعالیت عملی نمی گذارد اگر از معنویت نمی باشد.

سال ۵۶ شهید مطهری می فرمایند: «بشر غالباً در حالت افراط یا تفریط است و در نقطه وسط کمتر می ایستد. قرنهای غرق در موجهای درون گرایی بودیم و اعراض از برون گرایی می کردیم، و من حس می کنم که باز کم کم متوجه بیرون گرایی می شویم و در حال اعراض از درون هستیم، آن هم به عنوان اینکه در اسلام چنین مسائلی نیست.»<sup>۳</sup>

### ک) زنگ خطر

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: «فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ النِّعْمَةِ وَ أَحْذَرُوا بَوَائِقَ النِّعْمَةِ»<sup>۴</sup> از مستیهای نعمت بترسید و از بلای انتقام بهراسید. «ذَاكَ حَيْثُ تَسْكُرُونَ مِنْ غَيْرِ شَرَابٍ بَلْ مِنَ النِّعْمَةِ وَ النَّعِيمِ»<sup>۵</sup> آن (انتقام) در هنگامی است که شما مست می گردید اما نه از باده شراب بلکه از نعمت و رفاه».

۱. مطهری . مرتضی . مسأله شناخت . ص ۶۷، ۶۸، ۶۹
۲. وسال الشیعه . کتاب جهاد. به نقل از سیری در سیره نهج البلاغه شهید مطهری.
۳. مطهری . مرتضی . مسأله شناخت . ص ۷۴ و ۷۰
۴. نهج البلاغه. خ. ۱۴۵. به نقل از سیری در سیره نهج البلاغه شهید مطهری
۵. همان . خ. ۱۸۵



آری سرازیر شدن نعمت های بی حساب به سوی جهان اسلام و تقسیم غیر عادلانه ثروت و تبعیضهای ناروا، جامعه اسلامی را دچار بیماری مزمن «دنیازدگی» و «رفاه زدگی» کرد.<sup>۱</sup>

و ما مسلمانان چه عموم جامعه که مسئولین این انقلاب اگر دچار این بیماری شویم و از معارف ناب اسلامی به خصوص در این زمینه دور شویم طبیعی است که بلای انتقام در راه ماست و ممکن است، دامن گیر ما بشود، همانطوری که تمام انقلاب ها و حکومت های اسلامی گذشته، هر وقت دچار بیماری رفاه زدگی و راحت طلبی شدند، ضربه ی مهلکی دریافت کردند و دچار تزلزل و سقوط شدند. و این یک سنت الهی است.

---

۱. مطهری. مرتضی. سیری در سیره نهج البلاغه. ص ۲۵۲



## نتیجه گیری؛

پس از نظر اسلام رابطه انسان و جهان از نوع رابطه زندانی و زندان و چاه و در چاه افتاده نیست، بلکه از نوع رابطه کشاورز با مزرعه (الدنیا مزرعه الآخره) ، و یا اسب و دونده با میدان مسابقه و یا بازرگان با بازار تجارت<sup>۱</sup> و یا عابد و معبد است (الدنیا ... مسجد احباء الله)<sup>۲</sup>. دنیا از نظر اسلام مدرسه انسان و محل تربیت انسان و جایگاه تکامل اوست.

آنچه در اسلام نکوهش شده، استحاله شدن وسیله و هدف است، ... سیر تکاملی انسان لایتنهای است و هر گونه توقفی و رکودی و «بستگی» ای بر ضد آن است.

رابطه انسان و دنیا اگر به صورت وابستگی انسان... در آید، موجب محو و نابودی تمام ارزش های انسان می شود.

آن کسی که همه هدفش پر کردن شکم است، ارزشش با آنچه از شکم خارج می شود برابر است.<sup>۳</sup>

آنچه در اسلام محکوم شده دنیا پرستی و دنیازدگی و رفاه زدگی و راحت طلبی بوده است. و در اندیشه اسلام درون گرایی و برون گرایی از همدیگر جدا نیست و اصلاً قابل تفکیک نیستند.

و حتی عجیب این است که زهد اسلامی که ممکن است کسی (مانند وهابیت) فکر کند به معنی گریز و دوری از جامعه است، لبریز از مفاهیم و اندیشه های والای انسانی مانند ایثار و فداکاری و همدردی و... می باشد. و یکی از علل فراز و نشیب های مسلمانان در طول تاریخ دوری از این اندیشه اسلامی (که همان حد وسط و مرز میان رهبانیت مسیحی و دنیاپرستی یهودی است) بوده و طبیعی است، که اگرما مسلمانان در این انقلاب اسلامی به طور کلی از دنیا دوری کنیم و به مفاهیم اجتماعی اهمیتی ندهیم باز مانند انقلاب ها و تمدنهای اسلامی گذشته دچار سقوط خواهیم شد و برعکس هم اگر دچار دنیازدگی و رفاه زدگی و دنیا پرستی شویم، باز هم دچار تزلزل و سقوط خواهیم شد.

مستی نعمت خطری است، که همیشه ایمان و اندیشه های اسلامی ما را تهدید می کند، و همه ما باید خود را از این خطر مصون ندانیم و همیشه مواظب باشیم که به مصداق سخن امیر المؤمنین (علیه السلام) دچار بلای انتقام نشویم.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

۱. «الدنیا... متجر اولیاء الله». نهج البلاغه. ج ۱۳۱. به نقل از سیری در سیره نهج البلاغه شهید مطهری

۲. همان. ج ۱۳۰

۳. مطهری . مرتضی . سیری در سیره نهج البلاغه. ص ۲۶۷ و ۲۶۶

## منابع

۱. قرآن

۲. مسأله شناخت شهید مطهری انتشارات صدرا تهران/چاپ ۲۵

۱۳۸۹

۳. بیست گفتار شهید مطهری انتشارات صدرا تهران/چاپ ۲۲

۱۳۸۹

۴. سیری در سیره نهج البلاغه شهید مطهری انتشارات صدرا تهران/۴

۱۳۹۰

۵. نهج البلاغه نقل از کتاب سیری در سیره شهید مطهری

۶. وسائل الشیعه نقل از کتاب مسئله شناخت شهید مطهری

۷. اصول کافی نقل از کتاب سیری در سیره نهج البلاغه شهید

مطهری



